

خسارت یک میلیون دلاری در سرزمین آزادی مجسمه!



ریحانه صادقی
مترجم

در تقویم رسمی ایالات متحده آمریکا، روز ۲۶ نوامبر با عنوان «روز ملی بزرگداشت میراث بومیان آمریکا» نام گذاری شده است. از طرفی، با روی کار آمدن جو بایدن به عنوان رئیس‌جمهور این کشور نیز روزهای ۱۱ اکتبر و ۸ سپتامبر به ترتیب «روز مردم بومی آمریکا» و «روز پرداخت حقوق برابر به زنان بومی» نام گذاری شدند. دلیل همه این توجه‌ها البته مسئله فقر این مردم، به‌ویژه این زنان، است که قرن‌هاست استوار و باصلابت بر سر جای خود باقی مانده است. اما دلیل اصلی این فقر پابرجا و ادامه‌دار چیست؟ برخی «شکاف درآمدی» را دلیل اصلی فقر این زنان می‌دانند.

مسئله شکاف جنسیتی در میزان درآمد مدت‌هاست در مرکز توجه قرار گرفته است. زنان آمریکایی، به طور متوسط، ۱۸ درصد دستمزد کمتری در مقایسه با مردان این کشور دریافت می‌کنند. می‌دانیم که زنان سفیدپوست آمریکایی در تلاش برای یکسان‌سازی درآمد خود با مردان سفیدپوست و احقاق این حق ازدست‌رفته هستند. اما این شکاف جنسیتی در درآمد، هرچه به سمت اقلیت‌ها می‌رویم، فراخ‌تر هم می‌شود. بومیان آمریکا که روزی تنها ساکنان این سرزمین بودند، امروزه تنها بخش کوچکی از آن هستند و چیزی کمتر از ۲ درصد از کل ساکنان ایالات متحده را تشکیل می‌دهند. میزان دستمزدی که زنان بومی آمریکا دریافت می‌کنند در مقایسه با مردان و زنان سفیدپوست آمریکایی بسیار کمتر است. در آمریکا، زنان بومی به طور متوسط ۴۰ درصد کمتر از مردان سفیدپوست و ۲۴ درصد کمتر از زنان سفیدپوست دستمزد دریافت می‌کنند. این به این معناست که اگر یک مرد آمریکایی یک دلار دریافت کند، یک زن سفیدپوست آمریکایی یک زن بومی آمریکایی، به ازای میزان کار مشابه، به ترتیب ۷۹ سنت و ۶۰ سنت دریافت می‌کنند.

امروزه زنان بومی آمریکایی، بیش از هر زمان، به ادامه تحصیلات خود گرایش پیدا کرده‌اند و در جایگاه‌های شغلی بالاتری مشغول به فعالیت هستند، اما این گرایش و تحصیلات بالا به‌هیچ‌عنوان سبب کوچک شدن این شکاف درآمدی نشده است. در واقع، این شکاف درباره زنان بومی دارای مدارک کارشناسی و کارشناسی ارشد عمیق‌تر (در کمترین حالت، ۴۰ درصد کمتر از مردان سفیدپوست آمریکایی) هم هست. یک زن بومی آمریکایی با مدرک کارشناسی چیزی در حدود ۴۳ هزار و ۹۱۶ دلار درآمد سالانه دارد که تقریباً برابر است با درآمد سالانه یک مرد سفیدپوست آمریکایی که تنها مدرک دیپلم دوره دبیرستان (۴۳ هزار و ۸۸ دلار) را دارد.

تصور کنید چیزی حدود یک میلیون دلار از شما ربوده شود! به مسئله شکاف درآمدی باید در سطح کلان نگرست، نه تنها در مقیاس حقوق ماهانه در یک ماه. با یک حساب سرانگشتی می‌توان به عمق فاجعه پی برد. یک زن بومی آمریکایی در طول عمر کاری خود در مجموع یک میلیون دلار کمتر از یک مرد سفیدپوست آمریکایی دریافت می‌کند. (این مقدار برای یک زن سفیدپوست آمریکایی چیزی در حدود ۵۰۰ هزار دلار است.) شکاف درآمدی تنها یک مورد از موانعی است که بر سر راه یک زن بومی آمریکایی وجود دارد. تاریخی آکنده از نسل‌کشی‌ها، سرکوب‌ها و اقداماتی برای به انزوا راندن بومیان این سرزمین، تأثیری دیرپا بر وضعیت کنونی این مردم گذاشته است: نرخ فقر، بیکاری و مشکلات مرتبط با سلامتی در میان بومیان آمریکا، در مقایسه با سایر گروه‌های ساکن این کشور، بسیار بالاتر است. در این میان، زنان و دختران به طور ویژه در معرض آسیب قرار دارند. آن‌ها با میزان بیشتری از خشونت روبه‌رو هستند، و حفاظت‌های قانونی کمتری از جانب دولت شامل حالشان می‌شود، و فقر بیشتر گریبان‌گیرشان می‌شود.

در سال‌های اخیر، بومیان آمریکا به واسطه توجه به فعالیت‌های نوین و مبتکرانه، موفق به افزایش درآمد و ثروت خود شده‌اند اما شیوع ویروس کووید ۱۹ بار دیگر سبب تشدید نابرابری‌های ریشه‌داری شد که همواره دامن‌گیر نیروی کار زن، به‌ویژه زنان رنگین‌پوست (که زنان بومی آمریکایی نیز بخشی از آن‌ها هستند) شد و سلامت و امنیت اقتصادی خانواده‌های بسیاری را از بین برد. اگر سیاست‌گذاران این کشور سریعاً به مسئله موانع موجود بر سر راه اشتغال زنان، به‌ویژه زنان رنگین‌پوست، در این کشور قرار دارند (از قبیل تبعیض‌های درآمدی و مشاغل کم‌درآمد) رسیدگی نکنند، آمریکا بخش بزرگی از نیروی کار ارزشمند خود را از دست خواهد داد، و این اتفاق تأثیری فاجعه‌بار بر رشد اقتصادی و رفاه این ملت خواهد داشت.

<https://leanin.org/data-about-the-gender-pay-gap-for-native-american-women>



درنگی در زندگی زنان مقتدر مسلمان در تاریخ ایرانیان

گوهرشادبیگم مشاور سیاسی و هنری تیموری

در گذر از تاریخ ایران، عصری با حکمرانی تیموریان رقم می‌خورد که جلوه‌هایی از شکوه فرهنگ و هنر در این دوره نمایان می‌شود. از بانوان اثرگذار این دوره که در نواحی‌ای همچون خراسان موجبات ظهور و رونق هنر و ادب شدند می‌توان از گوهرشادبیگم نام برد. گوهرشادبیگم دختر امیر غیاث‌الدین، رئیس قبیله ترخانیان، بود که در سال ۷۸۰ هجری قمری دیده به جهان گشود. چنگیزخان مغول خود لقب ترخان را به امیر غیاث‌الدین داده بود و این چنین وی از امرای عصر تیموری شده بود. دست سرنوشت چنان رقم زد که دخت امیر غیاث‌الدین به همسری پسر تیمور، شاه‌رخ‌میرزا، درآمد و مقام و منصب همسر دست وی را برای انجام فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی باز کرد. گوهرشادآغا عشقی وصف‌ناشدنی به شعر و شاعری داشت. به همین علت، حامی شعرای نامدار عصر خویش بود. از میان شاعران نیز هروی با بنو مصاحبت داشت. گوهرشادآغا در مقام همسری شاه‌رخ، مشاور امین در امور عمرانی و سیاسی نیز بود به طوری که بسیاری از بناهای باشکوه تیموری با کوشش این بانوی فاضل ساخته شد. گوهرشادآغا دستور ساخت کتابخانه‌ای را داد که حاوی ۳۲ هزار نسخه کتاب با ۴۳ زبان مختلف بود. از میان کتب کتابخانه، هزار نسخه آن خطی مصور بود. وی شخصاً هزینه‌های کتابخانه را از دارایی خود می‌پرداخت.

مسجد جامع و خانقاه شهر هرات از شاهکارهای معماری تیموری به شمار می‌رود که به امر وی ساخته شد. در مشهد نیز ۲ رواق دارالحفاظ و دارالسیاده به دستور گوهرشادبیگم ساخته شد. از مشهورترین بناهای برجای‌مانده مزین به نام گوهرشادآغا در خراسان، مسجد گوهرشاد در حرم امام رضا^(ع) است. گویند چون دستور ساخت مسجد داده شد، بانو فرمود معماران و هنرمندانی در این بنا مشغول به کار شوند که عابد باشند، روز را با روزه بگذرانند و شب را به نماز شب سپری کنند. نقش گوهرشادآغا در امور سیاسی درخور توجه است زیرا شاه‌رخ‌میرزا بر خلاف تیمور روحیه اقتدارگرایی را نداشت. به همین دلیل، امور کشور زیر سلطه شاهزاده‌های تیموری و با مشاوره گوهرشادآغا انجام می‌گرفت. بانو از چنان منزلتی در دربار برخوردار بود که شفاعت خطاکاران را در پیشگاه سلاطین می‌نمود. در سال ۸۶۳ هجری ابراهیم سلطان شاه محمود را از هرات بیرون راند و یاران نزدیک وی را دستگیر کرد. در این هنگام گوهرشادآغا شفاعت ۲ تن از یاران اسیرشده به نام‌های ملک قاسم و قرامان را پیش سلطان ابراهیم کرد و این ۲ آزاد شدند و باقی به قتل رسیدند. هم‌چنین سید فخرالدین احمد وزیر خیانت مالی نمود و چون شاهزاده بایسنقرمیرزا مطلع شد، خشم بسیار بر وی گرفت که با میانجیگری بانو مجازات وی کمتر شد. با مرگ بایسنقرمیرزا، فرزند شاه‌رخ، گوهرشادآغا تلاش‌های مضاعفی کرد تا فرزند بایسنقر میرزا، علاءالدوله، جانشین پدرش باشد. به همین منظور، منصب دیوان‌ا‌علی یعنی مهر زدن بر حکم‌ها و برات‌های شاه به علاءالدوله رسید. هم‌چنین بانو تلاش‌های پی‌درپی کرد تا پس از مرگ شاه‌رخ، جانشین شاه علاءالدوله باشد. این در حالی بود که عموی علاءالدوله به نام الغ‌بیگ در قید حیات بود. چون شاه‌رخ دارفانی را وداع گفت، علاءالدوله تصمیم گرفت عموی خود را به عنوان جانشین ببذیرد و با او بیعت کند اما در همین هنگام، فتنه‌ای علیه گوهرشادآغا شکل گرفت که منجر شد بانو و دیگر ترخانیان به دستور نوه دیگر بانو به نام عبداللطیف دستگیر شوند. چون خبر به گوش علاءالدوله رسید، وی پرچم استقلال برافراشت و دستور آزادی گوهرشادآغا و دیگر اسیران ترخانی را داد.

بانو گوهرشاد آغا در هشتاد و یک سالگی به دستور سلطان ابوسعید، برادرزاده شاه‌رخ، به قتل رسید و روحش به ملکوت‌ا‌علی پیوست.

